

[This question paper contains 3 printed pages.]

Sr. No. of Question Paper : 3151

F-5

Your Roll No.....

Unique Paper Code : 2091504

Name of the Paper : Historical Text

Name of the Course : B.A. (Hons.) Persian

Semester : V

Duration : 3 Hours

Maximum Marks : 75

**Instructions for Candidates**

1. Write your Roll No. on the top immediately on receipt of this question paper.
2. Unless otherwise required in a question, answers should be written either in Persian or in English or in Hindi or in Urdu; but the same medium should be used throughout the paper.

- 1- Translate any two of the following passages into English or Hindi or Urdu: 20

از متن‌های زیر فقط دو را به زبان انگلیسی یا هندی یا اردو ترجمه کنید:

(A)

مأمون در حلم و عقل و فضل و مروت و هر چه بزرگان را بیاید از هنر ها یگانه روزگار بود، با چندان جفا و قصد زشت که فضل کرده بود، گناهای بیخشید و او را عفو کرد و به خانه باز فرستاد چنانکه به خدمت باز نیاید. و چون مدتی سخت دراز در عطلت بماند پای مردان خاستند مرد بزرگ بود و ایادی داشت نزدیک هر کس، و فرصت می جستند تا دل مأمون را نرم کردند و بر روی خوش گردانیدند تا مثال داد که به خدمت باید آمد. چون این فرمان بیرون آمد فضل کس فرستاد نزدیک عبدالله طاهر- و حاجب بزرگ مأمون او بود و با فضل دوستی تمام داشت- و پیغام داد که گناه باید آمد، و من این همه بعد از فضل ایزد عزذ کره از تو میدانم که به من رسیده است که تو در این باب چند تطف کرده ای و کار بر چه جمله گرفته تا این امر حاصل گشت.

(B)

پس ای فرزند دلیند! بدان و نیکو بدان که پادشاه شاکر نعمت که در ازل زیر سایبان عنایت خدای تعالی جای یافته باشد او را گیرند و او را دادند که عطایای جسم ربانی را بقدر الوسع والامکان در آشکار و پنهان به اقوال و افعال خود شکر گوید، و حقوق نعم ربانی بشناسد و حق این چنین نعمتی که پادشاهی است بگزارد چنان زید که قول و فعل و حرکات و سکنتات او در میان اهل اسلام در غایت و نهایت اعتبار گیرد و متبع پادشاهان سلف شود و از اقوال و افعال پسندیده او رضای ایزد عزاسمه، به دست آید و واسطه نجات و درجات او گردد و حق نعمت پادشاهی، پادشاهی گزارده باشد که هر معامله که او در

P.T.O.

امور جهانداري با بندگان خدا ورزد، بندگان خدا از امر و امارت و قول با فعل و اوصاف و اخلاق او بر جاده شريعت، معاملات زندگاني ورزند و از فسق و فجور و معاصي و مآثم به طاعات و عبادات و حسنات و مبرات گرآيند و در دنيا سزاوار حسنات و در عقبی مستحق نجات گردند.

## (C)

عبدالله طاهر چون جواب برين جمله دید سخت غمناک شد، رقعہ را با جواب بر پشت آن به دست معتمدی از آن خویش سخت پوشیده نزدیک فضل فرستاد و پيغام داد که اينک جواب بر اين جمله رسیده است، و صواب آن است که شبگیر بپايد و آنجا که من فرموده باشم تا ساخته باشند بنشينند، که البته روی ندارد در اين باب ديگر سخن گفتند و استطلاع رای کردن، چه توان دانست مبدا که بلاي تولد کند، و اين خداوند کریم است و شرمگين و چون به بيند شايد که نا پسندد که تو در آن درجه خمول باشی، و به روزگار اين کار راست شود. و چون اين معتمد نزدیک فضل رسيد و پيغام بداد و بر رقعہ و جواب واقف گشت، گفت: فرمانبردارم به هرچه فرمان است، و آنچه صلاح من در آن است و تو بينی و مثال دهی که عبداللهی، از آن زاستر نشوم. عبدالله بفرمود تا در نخست سرای خلافت در صفة شادروانی نصب کنند و چند تا محفوری ببفکنند، و مقرر کرد که فضل ربیع را در آن صفة بنشانند پيش از بار، و از اين صفة بر سه سرای ديگر بپايدت گذشت، و سرايها از آن هر کسی بود که او را مرتبه بودی از نوبتيان و لشکريان تا آنگاه که به جایگاه وزير حاجب بزرگ رسيدندی.

## 2. Explain any two of the following passages:

20

از متن های زیر فقط دو را شرح کنید:

## (A)

نماز ديگر چون عبدالله به درگاه رفت و بار نبود، رقعتي نيشت به مجلس خلافت که خداوند اميرالمؤمنين چنانکه از بزرگی و حلم او سزید فرمان داد تا آن بنده گناهگار که عفو خداوند او را زنده گردانيد، یعنی فضل ربیع به خدمت درگاه آيد و همه بندگان بدین نظر بزرگ که ارزانی داشت امید های بزرگ گرفتند، اکنون فرمان عالی چه باشد که بنده او را در کدام درجه بدارد بر درگاه تا آنگاه به خدمت تخت خلافت رسد؟ چون رقت را خادم خاص به مأمون رسانيد، و چنین رقتها عبدالله در مهمات ملک بسیار نيشتی به وقت ها که بار نبودی و جوابها رسيدی به خط مأمون، جواب اين رقعہ بدین جمله رسيد که يا عبدالله بن طاهر اميرالمؤمنين بدانچه نيشته بودی و جوابها پرسیده به باب فضل ربیع بی حرمت یاغی غادر واقف گشت، و چون جان بدو بمانده است طمع زیادت جاه می کند، وی را در خسیس تر درجه بپايدت داشت چنانکه یک سوارگان حامل ذکر را دارند والسلام.

## (B)

حق نعمت پادشاهی، پادشاهی گزارده باشد که قهر و سطوت و قوت و شوکت و حشم و خدم و خزانن و دفانن داده جبار بالحقیقت را واسطه قلع و قمع کفر و کافری و شرک و بتپرستی و وسیله محو فسق و فجور و بغی و طغیان گرداند و دشمنان خدا و رسول خدا و مخالفان امر خدا و دین مصطفی را از بیخ و دین بر کند و اگر آن تواند، دشمنان خدا و رسول خدا را خوار و زار و بی مقدار و لااعتبار دارد و

ثروت و عزت و جاه و بی غمی و بی الطفاتی ایشان در ملک خود ندارد، و اگر فسق و معصی را بر نتواند انداخت کم از آن نباشد که فسق و فجور را در کام فاسقان و فاجران و عاصیان و مذنبان تلخ تر از زهر سازد. و اعلان و اجهار و مباحات و مفاخرت معاصی و مآثر در ملک خود نپسندد و حق نعمت پادشاهی، پادشاهی گزارده باشد که در عصر پادشاهی او فساق و فجار و حرفت گیران معاصی و پیش سازان مآثم دژم و افسرده و خجل و شرمسار و لاعتبار عمر به سر برند.

(C)

فضل همچنان جمله لشکر و حاشیت را گفت بغداد باید رفت و برفتند مگر کسانی که میل داشتند به مأمون، یا دزدیده و یا بی حشمت آشکارا برفتند سوی مأمون به مرو. و فضل در کشید و به بغداد رفت و به فرمان وی بود کار خلافت و مجد زبیده به نشاط و لهو مشغول. و پس از آن فضل در ایستاد تا نام ولایت عهد از مأمون بیفکندند و خطیبان را گفت تا او را زشت گفتند بر منبر ها، و شعرا را فرمود تا او را حجا کردند و آن قصه دراز است و غرض چیز دیگر است و هر چه فضل را مسکن گشت از قصد و جفا به جای مأمون به کرد با قضای ایزد عز ذکر نتوانست بر آمد که طاهر ذولیمینین برفت و علی عیسی ماهان به ری بود، و سرش ببریدند و به مرو آوردند. و از آنجا قصد بغداد کردند از دو جانب، طاهر از یک روی و هر ثمه اعین از دیگر روی. دو سال و نیم جنگ بود تا مجد زبیده به دست طاهر افتاد و بکشندش و سرش به مرو فرستادند نزدیک مأمون، و خلافت بر وی قرار گرفت.

3. Rewrite the following passage into simple Persian: 15

متن زیر را به زبان فارسی ساده باز بنویسید:

چون امیرالمؤمنین بار داد هر کس از اعیان چون وزیر و اصحاب مناصب و ارکان دولت و حجاب و سپاه سالاران و وضع و شریف به محل مرتبه خویش پیش رفتند و بایستادند بنشستند و بیارامیدند. عبدالله طاهر که حاجب بزرگ بود پیش امیرالمؤمنین مأمون رفت و عرضه داشت که بنده فضل ربیع به حکم فرمان آمده است، و بر آن جمله که فرمان بود او را در سرای بیرونی جای کرده ام و به پایگاه نازل بداشته، در پیش آوردن فرمان چیست؟ امیرالمؤمنین لحظه ای اندیشید و حلم و کرم و سیرت حمیده او وی را بر آن داشت تا مثال داد که او را پیش آرند. عبدالله طاهر حاجبی را فرمود تا فضل ربیع را پیش آورد. چون او به حضرت خلافت رسید شرط خدمت و تواضع و بندگی بتمامی بجای آورد و عذر جنایات خود بی اندازه بخواست و بگریست و زاری و تضرع کرد و عفو درخواست کرد.

4. Write about the importance of Trikh-e-Behiqi of Abul Fazal Husain Behiqi. 10

ارزش و اهمیت تاریخ بیهقی ابو الفضل حسین بیهقی را بنویسید.

5. What is the importance of Ziauddin Barni among the historian of India? 10

Discuss with the reference of Tarikh-e-Firoz Shahi.

بین مؤرخان هند، ضیا الدین برنی چه مقامی دارد؟ از نظر تاریخ فیروزشاهی مورد بحث قرار بدهید.

OR

Give a short account of historical text produced during Sultunate period.

راجع به کتابهای تاریخی که در دوره سلطنت دهلی بوجود آمدند، گزارش مختصری بنویسید.